

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۷	قاعده طهارت
۷	مفهوم قاعده
۷	مستندات قاعده
۸	۱. روایتی با دلالت عام
۸	۲. روایات خاصه
۱۱	۳. تمسک به روش شارح (فهرست حصری نجاسات)
۱۳	۴. استصحاب طهارت
۱۴	عمومیت قاعده طهارت نسبت به نجاست ذاتی
۱۵	اصل موضوعی و قاعده طهارت
۱۶	مستفاد از قاعده طهارت حکم واقعی است یا ظاهری
۱۷	کاربردهای مختلف اصل در کلام فقها
۱۹	اصل و ظاهر
۲۰	تعریف ظاهر و کاربردهای آن
۲۱	معنای تعارض اصل با ظاهر
۲۲	تقدم ظاهر بر اصل
۲۳	اقسام دلیل از دیدگاه حقوق دانان
۲۴	موارد تقدم اصل بر ظاهر
۲۵	موارد تقدم ظاهر بر اصل
۲۷	اختلاف فقها در موارد تقدم اصل بر ظاهر
۲۸	نتیجه
۳۱	قاعده امکان
۳۱	مضمون و مفاد قاعده
۳۱	مراد از امکان
۳۳	ادله قاعده
۳۳	۱. اصل سلامت
۳۵	۲. نظر عرف در تعیین مصداق خون حیض
۳۵	۳. سیره متشرعه
۳۶	۴. دلیل فاضل هندی
۳۶	۵. اجماع
۳۷	۶. اخبار مستفیضه
۳۸	موارد جریان قاعده امکان
۴۰	نظر امام خمینی ره

صفحه	عنوان
۴۱	قاعده كل ما امتنع أن يكون حیضاً فهو استحاضة
۴۱	مضمون قاعده
۴۱	مدرك قاعده
۴۲	نظر امام خمینی رحمته الله
۴۵	قاعده لا تعاد
۴۵	مضمون قاعده
۴۵	دلیل و مدرك قاعده
۴۶	توضیح فقرات حدیث لا تعاد
۴۹	عدم شمول حدیث لا تعاد نسبت به عامد
۵۰	عدم اختصاص قاعده لا تعاد به شخص ناسی
۵۱	عدم اختصاص قاعده لا تعاد به حالت فراغ
۵۲	شمول قاعده لا تعاد نسبت به خلل در زیادت
۵۲	دلیل عدم ذکر بعضی از ارکان نماز
۵۴	عدم شمول قاعده لا تعاد نسبت به فقدان موانع
۵۵	قاعده فراغ و تجاوز
۵۵	معنای قاعده
۵۵	مستندات قاعده
۵۸	قاعده فراغ و تجاوز دو قاعده اند یا یک قاعده؟
۶۱	گستره شمول قاعده
۶۴	صحت اعتبار ورود به جزء بعدی در قاعده فراغ و تجاوز
۶۶	مقصود از غیر
۶۸	دخول در مقدمات
۷۰	جریان قاعده فراغ و تجاوز رخصت است یا عزیمت؟
۷۱	عدم جریان قاعده فراغ و تجاوز در شبهات حکمیه
۷۲	تفاوت قاعده فراغ و قاعده صحت
۷۲	وجه تقدم قاعده فراغ و تجاوز بر استصحاب
۷۳	قاعده فراغ و تجاوز از مسائل اصولی اند یا از قواعد فقهی؟
۷۵	قاعده اصالة الصحة
۷۵	مضمون و مفاد قاعده
۷۶	تفاوت قاعده اصالة الصحة و قاعده فراغ
۷۶	دلایل اصالة الصحة
۷۷	۱. آیات
۷۸	۲. روایات
۷۹	۳. اجماع
۷۹	۴. عقل

صفحه	عنوان
۷۹	مفهوم تکلیفی اصالة الصحة
۸۰	مفهوم وضعی اصالة الصحة در معاملات
۸۱	مفهوم وضعی اصالة الصحة در عبادات
۸۲	ادلة اصالة الصحة به مفهوم وضعی
۸۲	الف) ظهور حال مسلمانان
۸۲	ب) بنای عقلا
۸۳	ج) اجماع
۸۳	صحت واقعی یا صحت از نظر فاعل
۸۴	شرایط صحت در معاملات
۸۵	تعارض بین استصحاب و اصالة الصحة
۸۷	قاعده من ادرك
۸۷	مضمون قاعده
۸۷	مدرك و مستند قاعده
۸۹	احتمالات مختلف در مقصود از اخبار من ادرك
۹۰	۱. توسعه حقیقی در وقت
۹۰	۲. توسعه وقت در حال اضطرار
۹۰	۳. تنزیل خارج وقت به منزله وقت
۹۱	۴. تنزیل در ادراک
۹۱	نظر امام خمینی علیه السلام
۹۳	عدم شمول قاعده من ادرك نسبت به طهارت ترابیه
۹۴	قاعده لا شك لكثير الشك
۹۴	مضمون قاعده
۹۶	مستندات قاعده
۹۶	الف) اجماع
۹۷	ب) اخبار و روایات
۱۰۱	چند نکته درباره محتوای این قاعده
۱۰۱	اختصاص این قاعده به باب نماز
۱۰۳	کثیر الشک نسبت به برخی از اجزاء
۱۰۴	تعریف کثیر الشک
۱۰۶	شک کثیر الشک در حال قیام بین رکعت چهار و پنج
۱۰۷	آیا کثیر الظن حکم کثیر الشک را دارد؟
۱۰۸	حکم کثیر الشک نسبت به اصل نماز
۱۰۹	حکم ارشادی برای عدم ابتلای به کثرت شک
۱۱۰	رابطه قاعده لا شك لكثير الشك با ادلة اولیه
۱۱۳	قاعده لا شك للإمام و المأموم مع حفظ الآخر
۱۱۳	مضمون قاعده

۱۱۴	مستندات قاعده
۱۱۴	۱. روایات
۱۱۶	۲. اجماع
۱۱۸	دایره فراگیری قاعده نسبت به مأمومین
۱۱۹	معنا و مفهوم سهو
۱۲۰	معنا و مفهوم حفظ
۱۲۲	عدم جریان این قاعده در شک در افعال
۱۲۳	عدم اعتبار حصول ظن در اجرای این قاعده
۱۲۴	شمول این قاعده نسبت به شک در رکعت اول و دوم نماز
۱۲۴	لزوم رجوع امام به مأمومین به شرط اتفاق نظر آنان
۱۲۶	قاعده لا شک فی النافله
۱۲۶	مضمون قاعده
۱۲۷	مدرك قاعده
۱۲۸	شرط تخیر در بنای بر اقل و اکثر در قاعده
۱۲۹	شمول قاعده نسبت به اقسام نافله
۱۳۲	مقتضای اصل چیست؟
۱۳۴	اختصاص قاعده به شک در رکعات
۱۳۴	رابطه قاعده لا شک فی النافله با ادله اولیه حکم شک
۱۳۶	قاعده تسامح در ادله سنن (اخبار من بلغ)
۱۳۶	معنا و مفهوم قاعده
۱۳۷	مستندات قاعده
۱۳۷	۱. روایت هشام بن سالم
۱۳۷	۲. روایت صفوان
۱۳۸	۳. روایت محمد بن مروان
۱۳۸	۴. روایت دیگر از محمد بن مروان
۱۳۸	وجه تسمیه اخبار من بلغ
۱۳۹	حوزه روایات من بلغ
۱۳۹	احتمالات در روایات من بلغ
۱۴۰	حق الطاعة
۱۴۱	دیدگاه علما در مورد اخبار من بلغ
۱۴۱	۱. نظر آخوند خراسانی
۱۴۲	۲. نظر میرزای نائینی
۱۴۲	۳. نظر آیت الله خویی
۱۴۳	۴. نظر امام خمینی رحمته الله علیه
۱۴۵	کتابنامه

پیشگفتار

الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب و شرع فيه ما يحتاج اليه العباد و الصلاة و السلام على خير خلقه محمد ﷺ و على اهل بيته الطاهرين الأئمة الذين أذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً. علم فقه یکی از علوم فاخر و برجسته در مجموعه دانش های اسلامی است. علم فقه، علم به احکام شرعی است که از منابع و ادله تفصیلی آن، یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع به دست می آید. شکی نیست که سعادت واقعی انسان و حیات طیبۀ او تنها در پرتو عمل به احکام دین مبین اسلام تأمین می شود و علم فقه رسالت استنباط این احکام را بر عهده دارد؛ از این رو این علم از جایگاه والایی برخوردار است.

قرآن کریم می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُخَوِّضَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱. همچنین در آیه شریفه آمده است: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^۲. عمل صالح، عملی است که طبق موازین شرعی که علم فقه متکفل بیان آن است و با نیت خالص و از طریق هدایت اولیای معصوم الهی انجام شود.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در حدیثی می فرمایند: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ»^۳. همانا علم سه نوع است: آیه محکمه، فریضه عادلۀ و سنت قائمه که آیه محکمه به علم اصول دین و کلام اسلامی، فریضه عادلۀ به علم فقه و سنت قائمه به علم اخلاق تفسیر شده است.

امامان معصوم علیهم السلام که حافظان دین و معلمان شریعت در همه ابعاد آن اند، در تبیین مسائل فقهی و تربیت شاگردانی در مسائل و موضوعات مختلف اسلامی از جمله علم فقه تلاش ارجمندی کرده اند؛ به ویژه امام صادق علیه السلام که در شرایط خاص فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوران امامت خود، در زمینه ارائه و بیان اصول کلی و قواعد اساسی فقه، اقدامات سترگی انجام

۱. نحل (۱۶)، ۹۷.

۲. کهف (۱۸)، ۱۱۰.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲، ح ۱.

داده‌اند به گونه‌ای که فقه شیعه به آن حضرت نسبت داده شده و فقه جعفری نام گرفته است. فقهای شیعه نیز با الهام از قرآن کریم، سنت و سیره پیامبر و امامان علیهم‌السلام که فرمودند: «عَلَيْنَا إِيْقَاءُ الْأُصُولِ وَ عَلَيْنَا التَّفَرُّعُ»^۱ و با مجاهدت علمی، تلاش اجتهادی و تألیف کتب و آثار فقهی ارزشمند، بر غنا و بالندگی و پویایی علم فقه افزوده‌اند.

واضح است که علم فقه به سلسله علوم دیگری نیازمند است و در مقام تعلم و فراگیری متأخر از آن علوم مقدماتی قرار دارد؛ مانند علوم مربوط به ادبیات عرب، علم منطق و به‌ویژه علم اصول فقه که نقش برجسته‌ای در اجتهاد و استنباط احکام ایفا می‌کند. علم اصول فقه، علم به اصول و قواعدی است که فقیه را در استنباط احکام یاری می‌رساند یا او را در مقام عمل از سرگردانی می‌رهاند و وظیفه عملی او را در ظرف شک، نسبت به حکم واقعی مشخص می‌کند؛ به عبارت دیگر، علم به قواعدی است که در کبرای قیاس استنباط حکم فقهی قرار می‌گیرد.

دانش دیگر مورد نیاز فقیه متبحر در کنار علم اصول فقه، قواعد فقه است و آن علم به قواعد شرعی کلی و عامی است که از تطبیق بر مصادیق و جزئیات آن، حکم شرعی صدها و هزاران مسئله فقهی به دست می‌آید. اگر ادعا کنیم که اهمیت قواعد فقه کمتر از علم اصول فقه نیست، شاید مبالغه نکرده باشیم، ولی متأسفانه به قواعد فقه آن گونه که شایسته است پرداخته نشده و مورد اهتمام واقع نشده است.

برخی از علمای علم اصول فقه به صورت استطرادی برخی از قواعد فقه را در کتب خود ذکر کرده‌اند؛ مانند شیخ اعظم انصاری که در خاتمه بحث اصالة البرائه با عنوان شرایط جریان اصول، متعرض قاعده فقهی لا ضرر شده است^۲ و نیز در پایان مبحث استصحاب، برخی دیگر از قواعد فقهی، مانند قاعده فراغ و تجاوز، و اصالة الصحة را مطرح و رابطه آن‌ها را با استصحاب بررسی کرده است.^۳

فقه‌ها نیز در کتب فقهی خود به صورت پراکنده و مختصر، قواعد فقه را متذکر شده‌اند. شاید اولین اثر مستقل در این زمینه کتاب القواعد و الفوائد فقیه بزرگوار شهید اول باشد. البته در این کتاب علاوه بر قواعد فقهی به مسائل متنوع دیگری، مانند قواعد ادبی، حدیثی، قرآنی و

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۶۲، ح ۳۳۲۰۲.

۲. شیخ انصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۴۵۷.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۲۵.

کلامی نیز پرداخته شده است. پس از شهید اول، شاگرد ایشان جناب فاضل مقداد، اقدام به تنظیم کتاب القواعد و الفوائد کرده و کتاب نضد القواعد الفقهية علی مذهب الامامية را به رشته تحریر درآورده است.

در ازمنه متأخر، بزرگانی، مانند علامه نراقی در کتاب عوائد الايام و مراعی در کتاب العناوين الفقهية برخی از قواعد فقه را مورد بحث قرار داده‌اند و پس از آنان فقهای، مانند امام خمینی رحمته الله در کتاب الرسائل و آیت الله سید حسن بجنوردی در کتاب القواعد الفقهية، حضرات آیات مکارم شیرازی و سبحانی در آثاری با عنوان القواعد الفقهية نیز قواعد فقه را مورد بحث و گفتگو قرار داده‌اند.

زحمات و تلاش‌های علمی این فقیهان بزرگوار، شایسته تقدیر و سپاس است، اما بایسته به نظر می‌رسد که بحث درباره قواعد فقه در حوزه‌های علمیه و مجامع علمی، بیشتر مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا فقیه با طرح و اثبات یک قاعده فقهی می‌تواند حکم صدها و هزاران مسئله فقهی را برای خود و مقلدانش بیان کند.

قبل از ورود به اصل بحث، دو مطلب شایسته یادآوری است:

۱. تفاوت بین قاعده اصولی و قاعده فقهی: گفتیم اصول فقه و قواعد فقه، فقیه را در دستیابی به احکام شرعی یاری می‌رسانند و قاعده اصولی و قاعده فقهی از شمول و کلیت نیز برخوردارند، ولی بین این دو دسته، از سه جهت تفاوت وجود دارد:

الف) قاعده اصولی مشتمل بر حکم عامی است که از تطبیق آن بر مصادیق و جزئیاتش، احکام شرعیه‌ای به دست می‌آید که با حکم عام از نظر مضمون مغایرت دارد، مانند مسئله حجیت خبر واحد که یک قاعده اصولی است و با آن می‌توان حکم عامی را که حجیت خبر واحد عادل یا ثقه باشد، اثبات و بر مصادیقش همانند خبر زراره و محمد بن مسلم منطبق کرد؛ اما مضمون و مدلول این خبرها مثلاً وجوب نماز جمعه، حرمت فرو بردن سر در زیر آب برای صائم و حرمت عصیر عنبی غلیان‌شده، با حکم عام متغایرند، ولی قاعده فقهی مشتمل بر حکم شرعی عامی است که از تطبیقش بر مصادیق آن حکم عام، احکام شرعی جزئی به دست می‌آید که مطابق و موافق حکم عام است؛ مثل اصالة الطهارة که یک قاعده فقهی است و بر طهارت هر شیء مشکوک النجاسة دلالت دارد و قابل انطباق بر موارد جزئی همچون طهارت لباس مشکوک النجاسة یا فلان ظرف مشکوک است که این احکام جزئی مطابق و موافق حکم عام می‌باشند.

ب) از تطبیق قاعده اصولی بر مواردش، احکام کلی به دست می‌آید، مثل اینکه از حجیت خبر واحد و تطبیق آن مثلاً بر خبر زراره، حرمت عصیر عنبی به صورت کلی حاصل می‌شود، در حالی که از تطبیق قاعده فقهی بر مصادیقش، احکام جزئی تحصیل می‌شود؛ همانند قاعده‌ای که بر ملکیت ذوالید دلالت می‌کند، مثلاً زید که کتابی را در دست دارد و تصرف مالکانه می‌کند، مالک آن کتاب است که این یک حکم جزئی است.

ج) تطبیق قاعده اصولی بر مواردش کار فقیه و مجتهد است، ولی قاعده فقهی پس از حجیت و اعتبار، توسط مقلد و شخص عامی نیز بر مصادیقش تطبیق می‌شود. قاعده طهارت می‌گوید: «کُلُّ شَيْءٍ مَشْكُوكٌ نَجَاسَةٌ فَهُوَ طَاهِرٌ». مقلد در اجرای این قاعده در موارد جزئی، منتظر نظر مجتهد نمی‌ماند و خود تطبیق و اجرا می‌نماید. البته فقیه نیز در احکام شخصی خود به تطبیق قاعده فقهی بر مواردش اقدام می‌کند.

۲. قواعد فقهی منحصر در عدد معینی نیستند، ولی در این قواعد دو گونه تقسیم می‌توان ذکر

کرد:

الف) از نظر دایره شمول و گستردگی برخی قواعد فقهی منحصر به باب خاصی از ابواب فقه است، مانند قاعده لاتعداد که مخصوص کتاب صلاة است، ولی برخی دایره وسیعی دارند، مانند قاعده لا ضرر که در ابواب مختلف عبادی، معاملات و غیره جاری می‌شود.

ب) قواعد فقه را می‌توان به بخش‌های مختلف، مانند قواعد فقه عبادی، قواعد فقه اقتصادی و قواعد فقه قضایی تقسیم کرد. ما در این مباحث و سلسله دروس، به این ترتیب قواعد فقهی را مطرح کرده‌ایم.

آیت الله شهید سید محمدباقر صدر رحمته الله با تأکید بر اینکه قاعده باید یک امر کلی و واجد نکته ثبوتی واحد باشد،^۱ به نحوی که به یک حقیقت واحد بازگردد، تقسیم دیگری از قواعد فقهی را ارائه نموده و این قواعد را به پنج دسته تقسیم کرده‌اند:

دسته اول، قواعدی که به معنای فنی قاعده نیستند، مانند قاعده لا ضرر. مفاد قاعده لا

ضرر، تجمیع تشریعاتی دال بر عدم است که در یک عبارت واحد جمع شده است.

دسته دوم، قواعدی که یک حکم واقعی کلی به شمار می‌روند و به جعل واحد جعل

۱. بر اساس این دیدگاه، اگر قاعده از مجعولات شرعی باشد (مانند قاعده ضمان)، وحدت آن به وحدت جعل است و اگر از مجعولات شرعی نباشد (مانند ملازمه میان وجوب شیء و وجوب مقدمه)، وحدت آن به وحدت تقرر ثبوتی است.

شده‌اند، مانند قاعدهٔ ما یضمن. این دسته از قواعد، در طریق اثبات تطبیقات خود واقع می‌شوند و تطبیقات آن‌ها هم جعل مستقل به شمار نمی‌روند، بلکه حصه‌ای از حصص همان جعل کلی هستند.

دستهٔ سوم، قواعدی که به عنوان حکم ظاهری، صغرای حکم شرعی از آن‌ها نتیجه می‌شود، مانند قاعدهٔ فراغ و اصاله الصلوة^۱.

دستهٔ چهارم، قواعدی که به عنوان حکم ظاهری، فقیه را به حجت برای احکام شرعی (یا همان اصل جعل) می‌رسانند، مانند قاعدهٔ طهارت در شبهات حکمیه.

دستهٔ پنجم، قواعد فقهی استدلالی هستند که فقیه چنین قواعدی را در فقه مقرر می‌سازد و در استنباط از آن‌ها استفاده می‌کند، مانند قاعدهٔ «ظهور الأمر بالغسل فی الإرشاد الی النجاسة»^۲.

مباحث اثر حاضر در اصل سلسله‌ای از دروس عرضه شده در جمع طلاب و قضات فاضل در حوزهٔ علمیه تهران (مدرسهٔ امام حسن علیه السلام) بوده که با کوشش تنی چند از فضلا برای چاپ و نشر آماده شد: ضبط و پیاده‌سازی مباحث توسط جناب آقای حمیدیان، بازنگری مطالب، حذف مکررات و تخریج منابع و مصادر توسط آقایان عبدالحسین یداللهی و سید ابوالقاسم موسوی و با نظارت و اشراف حجت الاسلام مهدی شریعتی‌تبار.

بجاست از فضلالی نامبرده تشکر و قدردانی کرده و با اذعان به کاستی‌های موجود در این اثر، از خوانندگان گرامی انتظار است محبت نموده، ما را از نظرها و پیشنهادهای خویش بهره‌مند سازند.

غفر الله لنا و لکم و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

سید ابراهیم رئیسی

۱. بر اساس اصاله الصلوة به جریان اصل در صلاة زید حکم می‌کنیم و جریان اصاله الصلوة در صلاة زید، صغرای است برای کبرای «ما تجيء فيه اصاله الصلوة فهو محکوم بالصلوة شرعاً».

۲. هاشمی شاهرودی، مباحث الدلیل اللفظی، ج ۱، ص ۲۶.